

محمد علی عموی

چه دلیلی برای حزب پذیری ایرانی ها مستندتر از استقبال مردم از حزب توده ایران

پیش گفتار

این نوشته بر آن است تا نشان دهد که برخلاف ادعای کسانی که مردم ایران را فاقد روحیه‌ی جمع‌گرایی و در نتیجه دور از تحزب و فعالیت سیاسی معرفی می‌کنند، در صورتی که حزبی با برنامه مردمی و اساسنامه‌ی اصولی حضور بیابد، نه تنها مخاطبان جدی و علاقه مند می‌یابد، که با استقبال پرشور توده‌هایی مواجه می‌شود که خواسته‌هایشان را در برنامه‌ی آن حزب مشاهده می‌کنند. دلیل این مدعا شرح مختصری است از فعالیت "حزب توده ایران" در دورانی که فضایی نسبتاً باز برای حضور احزاب وجود داشت.

بدون آشنایی دقیق با تاریخ فعالیت حزب توده ایران شناخت تاریخ معاصر ایران ناقص خواهد بود و در عین حال، بدون آشنایی با زیر و بم‌ها و سایه‌ها روشن‌های تاریخ سده‌ی اخیر به ویژه بعد از شهریور ۱۳۲۰، دآوری درباره حزب توده ایران به حقیقت نزدیک نخواهد شد. این درهم تنیدگی و تأثیر دو جانبه، خود گواه آن است که حزب، محصول طبیعی این آب و خاک و برخاسته از عمق خواست و نیاز نیروهای اجتماعی تاریخ ساز و پاسخ دهنده به ضرورت‌های این حرکت میهنی در عصر نو است.

به ندرت اقدام مترقی و انقلابی و حتی به ندرت اندیشه و بارقه‌ی روشن گر و راه‌گشایی را می‌توان سراغ کرد که این حزب در آن نقش پیشتاز را ایفا نکرده باشد. این دعوی سترگی است، اما گزافه نیست. حضور آن در عرصه‌های مختلف اجتماعی توأم با یک برنامه همه جانبه و برتابنده‌ی نیازهای رشد موزون اجتماعی و متناسب با سطح پیشرفت جامعه از یک سو و صف طویل جان باختگان، شکنجه دیدگان و قهرمانان به نام و گمنامش از دیگر سو، گواه این دعا است.

حزب با اتکا به منافع توده‌های زحمت کش، میهن پرستی را با همبستگی بین‌المللی برادرانه با نیروهای مترقی و ضد استعمار در مقیاس جهانی به هم آمیخت و راز ماندگاری و بقای آن را نیز در مهیب‌ترین مهلکه‌ها و گردبادهای سیاسی در همین خصایص باید جست.

تأسیس حزب

در تاریخ معاصر میهن ما حزب‌ها و سازمان‌های سیاسی متعددی ظهور کردند، اما عمر بسیاری از آنان دیری نپایید؛ زیرا در میان مردم ریشه نداشتند. تاریخی که با تحزب آغاز می‌شود، تاریخی است که با سرشت و سرنوشت جنبش کارگری ایران عجین است. جنبش کارگری ایران حدود یک قرن تاریخ پرفراز و نشیب را پشت سر دارد. مراکز غیبی سوسیال-دموکراسی در تلاطم‌های تقدیر آفرین مشروطه، نقش سازمانده و الهام گر را برعهده گرفتند و در پیروزی‌های انقلاب جای پای خونین و خردمند خویش را در سنگلاخ و مهلکه‌ها باقی گذاشتند. حزب کمونیست ایران که از درون سوسیال-دموکراسی بیرون آمد، سنن آن را ادامه داد و در مبارزه با ارتجاع و استثمار و پرورش کادرهای انقلابی کوشش‌های شایان و آفریننده‌ای کرد. حزب توده ایران با رسالت دنبال کردن کار آنان، در شرایطی کار خود را آغاز کرد که بازماندگان سازمان‌های انقلابی پیشین، از زندان و تبعید بازگشته بودند. این نیروها در هوای تازه‌ای که مولود فروپاشی استبداد رضاشاهی بود، گرد آمدند و بر شالوده‌ی آزمون‌های گذشته و تجربه‌ی جنبش‌های انقلابی جهان، سازمان سیاسی طبقه‌ی کارگر ایران

را از نو پی ریختند. کودکی که در مهرماه ۱۳۲۰ پا به میدان نهاد، به استقبال گردبادهای سهمگین سیاسی رفت.

عرصه‌های عمومی فعالیت‌های حزب

1- حزب برای نخستین بار مسأله‌ی مبارزه با امپریالیسم و استعمارنو و کهنه را به معنای وسیع، دقیق و علمی آن در کشور مطرح کرد و توده‌های مردم را به مبارزه با آن سوق داد. حزب همزمان با پیدایش خود، با فاشیسم که در آن زمان آزادی و استقلال ملت‌های جهان را دستخوش تهدید مرگبار کرده بود و در ایران شبکه‌ی وسیع عوامفریبی و خرابکاری خود را توسعه داده بود، وارد مبارزه شد و توانست چهره‌ی ددمنش آن را به مردم بشناساند و عمال آن را در ایران منفرد کند.

انتشار صدها کتاب در زمینه‌ی توضیح و افشای ماهیت اقتصادی، سیاسی امپریالیسم و عملکرد آن در کشورهای مختلف و نیز هزاران مقاله در زمینه‌ی افشای عملکرد و دسایس گوناگون امپریالیست‌های انگلیس و آمریکا در شرایط مشخص روز، حزب را با کینه بی‌پایان امپریالیسم که در کشور ما دارای ریشه‌های عمیقی در قشرهای حاکم و دارای عمال رنگارنگ و فراوان در شبکه‌های وسیع جاسوسی بودند، روبرو کرد.

2- حزب به محض تأسیس خود، مبارزه با عمال رضاشاه را یکی از شعارهای خویش قرار داد و بعدها با تمام قوا کوشید تا از تجدید دیکتاتوری در کشور جلوگیری کند. فهرست آثار منتشرشده‌ی حزب در زمینه‌ی تاریخ معاصر و افشای رجال سیاسی دوران پهلوی و قاجار خود گویا است. همین مبارزه‌ی پی‌گیر، کینه‌ی سوزان دربار و سلطنت مطلقه را برانگیخت. ارتجاع ایران بارها سرکوب حزب را مقدمه‌ی سرکوب جنبش استقلال طلبی و آزادی خواهی ایران شمرده است و در واقع تاخت و تاز علیه حزب، چه پس از بهمن ۲۷ و چه پس از مرداد ۳۲ مقدمه‌ی تاخت و تاز علیه دیگر سازمان‌های ملی و مترقی بود.

3- حزب از همان بدو تأسیس خود، شعار اتحاد نیروهای ملی و مترقی را سرلوحه‌ی کار خود قرار داد و در این راه نیز اقدامات مؤثری به‌عمل آورد. پیدایش "جبهه آزادی" و اقدامات فراکسیون حزب در مجلس چهاردهم برای همکاری با عناصر مترقی در مقابله با توطئه‌های سیدضیاء و دکتر میلیسپو، دولت‌های صدر، حکیمی و غیره، تشکیل "جبهه مؤتلف احزاب آزادی خواه"، "جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری" از جمله‌ی این اقدامات است. حزب در حادثه 30 تیر ۱۳۳۰ با تمام قوا برای سقوط حکومت خائن قوام و بازگشت مجدد دکتر مصدق به قدرت همراه دیگر نیروهای ملی مبارزه کرد. در دوران پس از ۳۰ تیر و سپس در سال‌های اختناق که رژیم کودتا در ایران مسلط بود- پیش و پس از انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷- با تمام قدرت برای نیل به اتحاد تمام نیروهای ملی و دموکراتیک که مهمترین ضامن پیروزی جنبش است، کوشید. تردیدی نیست که در برخی موارد سیاست حزب از يك رشته خطاهای سکتاریستی و از جمله در مرحله‌ای از جنبش ملی شدن صنعت نفت مصون نماند، ولی آن چه شاخص این سیاست است، کوشش پی‌گیر حزب در دست‌یابی به اتحاد نیروها برای رسیدن به هدف‌های مشترك است.

4- حضور گسترده در مبارزه برای ملی کردن صنعت نفت و اعمال حق حاکمیت ملی، حمایت از دولت ملی دکتر مصدق و مبارزه با دسایس امپریالیست‌ها و مزدوران داخلی آنان و لغو هرگونه امتیاز سیاسی و اقتصادی از طریق بسیج سازمان‌های دموکراتیک و توده‌ای و به ویژه سندیکا‌های کارگری از دیگر عرصه‌های فعالیت حزب به شمار می‌رود. متأسفانه، گاه این نقش عظیم و قاطع کارگران در مبارزه برای ملی کردن صنعت نفت نادیده گرفته شده یا به سایه رانده می‌شود.

5- حزب به وسیع‌ترین تلاش برای متشکل کردن کارگران ایران دست زد. اعضای حزب در پیدایش سازمان‌های معتبر کارگری و سندیکایی مانند شورای متحده کارگران و زحمتکشان

و شورای مؤتلفه مرکزی کارگران که دهها و صدها هزار کارگر در رسته‌های مختلف را در سندیکاها متحد کرده بودند، نقش مهمی ایفا کردند. این سازمان‌های کارگری برای اثبات شخصیت و موجودیت طبقه‌ی کارگر ایران و دفاع از حقوق بنیادین آن، مبارزه‌ی وسیع و دامنه‌داری کرده‌اند و به کامیابی‌هایی رسیده‌اند که خود تاریخ افتخارآمیزی دارد. تلاش حزب و شورای متحده‌ی مرکزی باعث تدوین لایحه‌ای در سال ۱۳۲۳ شد که در آن هشت ساعت کار روزانه، دو هفته مرخصی با حقوق در سال، شش هفته مرخصی با حقوق برای زنان کارگر باردار، منع استفاده از کار کودکان کمتر از ۱۲ سال و تأمین بیمه‌های اجتماعی پیش بینی شده بود. این تلاش‌ها همچنین، به تصویب قانون کار در سال ۱۳۲۵ منجر شد که علاوه بر مزایای فوق و دیگر مزایا، روز اول ماه مه را به عنوان روز همبستگی بین‌المللی زحمتکشان و روز تعطیلی با مزد به رسمیت شناخت. فراموش نباید کرد که واژه‌ی "کارگر" در برابر واژه‌های تحقیرآمیز "فعله" و "مزدور" را نخستین بار حزب به کار برد و متداول کرد.

6- حزب در مبارزه‌ی دهقانان با فنودالیسم و «بزرگ زمین داری» به تحقق يك برنامه ارضی مترقی برای تقسیم بلاعوض زمین بین دهقانان کم زمین و بی زمین کوشید و در راه متشکل کردن دهقانان فعالیت وسیعی آغاز کرد که موفقیت‌های بسیاری نیز به دنبال داشت. ده هزار روستایی در اتحادیه‌های دهقانی متشکل شدند و توانستند دهقان ایرانی را از خواب دیرینه بیدار کرده و او را از تسلیم به سرنوشت رقت بار جور و ستم ارباب و ژاندارم و هیأت حاکمه باز دارند و به سوی نبرد مطالباتی و اجتماعی سوق دهند. نمونه‌ی برجسته‌ی کار سازمانی دوران علنی (۱۳۲۷-۱۳۲۰) تشکیل "اتحادیه دهقانان وابسته به حزب توده‌ی ایران" و پس از "غیرقانونی" شدن حزب، تشکیل سازمان علنی "انجمن کمک به دهقانان ایران" بود. انتشار صدها کتاب و هزاران مقاله در زمینه‌ی جامعه‌شناسی روستا و مشکلات دهقانان کشور از جمله اقدامات درخشان حزب به شمار می‌رود.

7- از آنجا که بدنه‌ی ارتش شاهنشاهی ریشه در افشار محروم جامعه داشت، حزب از همان ابتدا، کار آگاه‌گرانه در میان این نیروها را طرف توجه قرار داد و برای نخستین بار در تاریخ به متشکل کردن عناصر ملی در درون ارتش دست یازید. سازمان نظامی حزب، متشکل از افسران آگاه با گرایش‌های عمیق ملی و مردمی و برخاسته از میان توده‌های مردم، در میان سازمان‌های نظامی انقلابی در کشورهای سرمایه‌داری کم نظیر بود. این سازمان از میان خود قهرمانان بنام و اندیشمندان، نویسندگان و مترجمان بزرگی را عرضه کرد که خود صفحه‌های تابناکی در تاریخ مبارزات مردم به شمار می‌رود.

8- حزب به وسیع‌ترین فعالیت سازمانی و تبلیغی در میان قشرهای گوناگون زنان، اعم از کارگر، دهقان و روشنفکر دست زد و برای نخستین بار در مجلس چهاردهم طرح انتخاب کردن و انتخاب شدن زنان ایرانی را عرضه داشت. موفقیت حزب در ایجاد يك نهضت بزرگ در میان زنان برای احقاق حقوق خود قابل ملاحظه است. فعالیت‌های سیاسی، تظاهراتی، مطبوعاتی و اجتماعی زنان که بوسیله‌ی حزب رهبری می‌شد، این بخش عظیم جامعه‌ی ایران را به جاده‌ی بیداری، تلاش و تکاپو رهنمون کرد. در تیرماه ۱۳۲۲ تشکیلات زنان برنامه‌ی خود را با شعار مبارزه علیه فاشیسم، مبارزه با استعمار، مبارزه برای صلح، حقوق مساوی با مردان و دست‌مزد مساوی در برابر کار مساوی آغاز کرد. در همین دوران در جنب شورای متحده‌ی مرکزی، اتحادیه‌ای به نام "اتحادیه زنان زحمتکش" نیز تشکیل شده بود که در سال ۱۳۲۵ به تشکیلات زنان پیوست. در سال ۱۳۲۵ تشکیلات زنان به عضویت فراسیون جهانی زنان که مدافع حقوق مهمی زنان در دنیا بود، درآمد و از آن پس تشکیلات دموکراتیک زنان نامیده شد. در سال ۱۳۲۷ این تشکیلات غیرقانونی اعلام شد. اما در سال ۱۳۲۹ هیأت اجرایی این تشکیلات يك روزنامه‌ی علنی به نام "جهان تابان" منتشر کرد.

در ۳۰ اردیبهشت هیأت تحریریه این مجله به دنبال ارسال دعوتنامه برای عده‌ای از زنان مترقی در کنفرانس بزرگی در محل سالن تأثر سعدی تهران، تأسیس سازمان زنان ایران را اعلام کرد. این سازمان در شهرستان‌های مختلف شعبه‌ی خود را دایر کرد و روزنامه‌ی "جهان زنان" را با شعار "زنان ایران برای به دست آوردن حقوق خود متحد شوید" منتشر نمود. تشکیلات دموکراتیک زنان "شورای مادران" را برای مبارزات محلی و موضعی زنان در محله‌ها پی ریخت. این شورا برای رسیدگی به خواست‌های خانواده‌ها در محل و از جمله تأمین مدرسه، درخواست آسفالت خیابان، تأمین برق و دیگر امکانات شهری فعالیت می‌کرد. 9- یکی دیگر از کارهای برجسته‌ی حزب، کار در میان جوانان بود؛ حزب توانست برای جوانان ایرانی میدان عمل و دورنمای وسیعی از کار و تلاش پدید آورد. تاریخ "سازمان جوانان توده ایران" پر از صفحات درخشان تلاش و فداکاری است. اعضای کارگری این سازمان در اتحادیه‌های کارگری فعالیت وسیعی داشتند. آنان وظیفه‌ی خود می‌دانستند که به عنوان اعضای فعال اتحادیه‌ها در راه منافع حیاتی کارگران تلاش کنند. آنان در اعتراضات و اعتصابات کارگری حضور فعال و چشم‌گیری داشتند، اخبار کارگری را به مطبوعات می‌دادند و صدای اعتراض کارگران را در مجامع و ارگان‌های مربوط منعکس می‌کردند.

یکی از مراکز عمده‌ی فعالیت سازمان جوانان، دانشگاه بود. اعضای سازمان بخصوص در "اتحادیه دانشجویان دانشگاه تهران" که فعالیت گسترده و چشم‌گیری داشت، فعال بودند و در راه تشکل دانشجویی و وحدت عمل دانشجویان سعی فراوان داشتند.

مبارزات دامنه دار کارگران، توده‌های دهقانی را نیز به مبارزه جلب کرد. با توجه به اهمیتی که حزب برای کار در میان دهقانان قایل بود، سازمان جوانان، کار در روستاها را به عنوان وظیفه‌ی مهم خود قرار داد و در "انجمن کمک به دهقانان" فعالانه می‌کوشید.

فعالیت سازمان جوانان در راه صلح یکی از بارزترین عرصه‌های فعالیت آن بود؛ ترویج اندیشه‌های صلح در میان نسل جوان، افشای جنگ طلبان، افشای توطئه‌های امپریالیستی، دفاع از نهضت‌های آزادی بخش، همدردی و همبستگی با ملت‌های مستعمره و نیمه مستعمره به ویژه پس از تأسیس "جمعیت هواداران صلح" توسعه‌ی بیش‌تری یافت. سازمان جوانان از طریق تشکیل نشست‌ها، نمایش‌های صلح در شهرها و روستاها، کارخانه‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها، هر روز افشار تازه‌ای از جوانان را به مبارزه در راه صلح جلب می‌کرد.

تأسیس "سازمان دانش آموزان ایران" در سال ۱۳۳۰ از دیگر ابتکارات سازمان جوانان بود که با مبارزه‌ی دامنه دار خود توانست رسمیت خویش را به وزارت فرهنگ تحمیل کند. نشریه‌ی "دانش‌آموز" ارگان این سازمان دانش آموزی نقش مهمی در ارتقای آگاهی دانش آموزان و طرح اصولی خواست‌های آنان داشت.

فعالیت دختران جوان در "تشکیلات دموکراتیک زنان"، "جمعیت آزادی زنان" و "سازمان دموکراتیک زنان" و مبارزه‌ی گسترده‌ی آنان در راه تحقق خواست‌های اصولی زنان با توجه به محدودیت‌های موجود برای دختران و زنان فراموش ناشدنی است. یکی دیگر از فعالیت‌های پُرثمر سازمان جوانان، شرکت فعال آن در جمعیت مبارزه با بی‌سوادی بود و در تشکیل کلاس‌های مبارزه با بی‌سوادی در کارخانه‌ها و روستاها و بالابردن سطح آگاهی و معلومات بی‌سوادان نقش به‌سزایی ایفا کرد. برگزاری روز کودک - اول ژوئن - و دفاع از حقوق کودکان از دیگر عرصه‌های فعالیت آن بود.

10- فعالیت حزب در میان روشنفکران و در عرصه‌ی فرهنگی از فصول برجسته‌ی آن است. حزب شمار کثیری از روشنفکران برجسته اعم از استادان دانشگاه، نویسندگان، شاعران، روزنامه‌نگاران، هنرمندان، اندیشمندان و دانش پژوهان را پرورش داد که حضور مؤثر آنان در عرصه‌های مختلف فرهنگی غیرقابل انکار است.

11- حزب در راه تأمین حقوق و دفاع از حقوق خلق‌ها و اقلیت‌های ملی و مذهبی کشور تلاش وسیعی داشت و در برنامه‌ی خود بر حقوق مسلم اقلیت‌های ملی، قومی و مذهبی تأکید داشت.

12- فعالیت‌های مطبوعاتی از دیگر فعالیت‌های چشمگیر حزب است. پرورش صدها روزنامه‌نگار مردمی و انتشار ده‌ها روزنامه و مجله در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، هنری و صنفی در بالا بردن آگاهی‌های عمومی نقش به‌سزایی داشت.

13- حزب تنها هفت سال فعالیت علنی داشت، آن‌هم با فراز و فرودهای فراوان. پس از توطئه‌ی بهمن ۱۳۲۷ حزب در شرایط جدید دست به تجدید سازماندهی زد و با مهارت، کار مخفی و علنی را به هم آمیخت. سازمان‌های متعدد علنی از رهنمودهای حزب بهره‌می گرفتند. پس از کودتای ۲۸ مرداد و سرکوب نهضت ملی مردم ایران، حزب وارد کار عمیق مخفی شد و توانست موجودیت خود را حفظ کند. از این رو، فعالیت حزب در هیچ دورانی تعطیل نشد و متوقف نماند. البته در این راه نیز، علاوه بر جان باختگان فراوان و ده‌ها هزار زندانی، فهرست بلندبالایی از زندانیان به نام و گمنام بیش از ۱۰ تا ۳۷ سال زندانی را، آن‌هم تنها به جرم ماندن بر اعتقادات خود در کارنامه‌ی خویش دارد و این خود در تاریخ احزاب و در تاریخ معاصر کشور یگانه است.

این فهرستی است ناقص و فشرده از فعالیت‌های حزب که وارد شدن در هر جزء آن صفحات بسیاری را می‌طلبد که از حوصله‌ی این مقاله خارج است.

سخن آخر

متأسفانه تلاش‌هایی در کار است تا:

1- تمام تاریخ فعالیت حزب را به دوران کوتاهی از خطاهای سکتاریستی در برخورد با دولت ملی دکتر مصدق که حزب خود به سرعت در جهت اصلاح آن برآمد، خلاصه کنند.

۲- با عمده کردن برخی اشتباهات تاکتیکی در روز ۲۸ مرداد، تمام تقصیرات و مسؤولیت‌های ناشی از رخداد عمیقاً ضد مردمی کودتا را متوجه حزب کنند. روشن است که با این شیوه، دسایس و دخالت امپریالیست‌ها، فعالیت ضد مردمی عمال دربار و برخی کارگزاران آن‌ها که با نقاب آزادی خواهی در جنبش ملی و در دولت ملی دکتر مصدق رخنه کرده بودند و در جهت ایجاد شکاف و تفرقه در صفوف نیروهای ملی و مردمی بودند، به سایه رانده می‌شود. مسأله این جاست که حزب خود با صراحت و شجاعت از بررسی خطاهای خود در کنار تلاش‌های گسترده‌اش برای ناکام گذاشتن کودتا سر باز نزد. اما آیا دیگر نیروها نیز هرگز به چنین بازنگری در فعالیت‌ها و تاکتیک‌های خود روی کرده‌اند؟

3- کوشش می‌شود که با تکیه بر برخی ادعاها و گفته‌های غیرمستند و بزرگ کردن برخی اختلاف نظر‌ها در رهبری حزب که خصیصه‌ی ناگزیر فعالیت‌های حزبی است، اسناد رسمی حزب را که مبنای عمل اعضای آن به صورت کل واحد و به هم پیوسته است، دور بزنند و نادیده بگیرند. حال آن‌که وجدان علمی و انصاف در داوری اقتضا می‌کند که اسناد رسمی حزب را ملاک سنجش عمل آن دانست و در ارزیابی فعالیت‌ها و تاکتیک‌ها به شرایط عینی و ذهنی جامعه، توازن قوا و سطح رشد آگاهی‌های اجتماعی توجه داشت؛ زیرا نمی‌توان و نباید فعالیت هر حزب را از بستر اجتماعی آن و شرایط مشخص هر دوره منتزع کرد.

متأسفانه باید گفت تحت شانتاژهای معین، پاسخ مستند و مستدل حزب به انتقادات و اتهامات نادیده گرفته می‌شود و این مغایر تمام حقوق اجتماعی و اصول ناظر بر نقد و بررسی علمی است.

نکته‌ی دیگری که باید به آن اشاره کرد فعالیت نمونه‌وار حزب در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ است که خط بطلان بر ادعای برخی محافل مبنی بر تحزب‌گریزی مردم ایران است، می‌کشد. موضوع این جا است که برای ایجاد احزاب فراگیر و جذب مردم به

فعالیت‌های حزبی پیش نیازها و خصایصی لازم است که از آن جمله می‌توان به نکات
عمده‌ی زیر اشاره کرد:

- ۱- فضای باز سیاسی.
- ۲- بسط دامنه‌ی شعارها از سطح نخبگان به نیازها و خواست توده‌های وسیع مردم.
- ۳- صداقت در عمل و پایبندی به شعارهای اعلام‌شده.
- ۴- بازکردن درهای حزب به روی فعالان مردم و فراهم آوردن عرصه‌های لازم برای بروز
خلاقیت‌ها و جذب ظرفیت‌های آنان.